

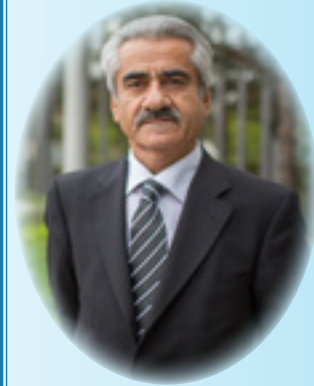
کوردستان

ارگان حزب دمکرات کوردستان ایران

تأمین حقوق ملی خلق کره در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

شماره ۷۳ دوشنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۹، ۴ می ۲۰۲۰

پیام مسئول اجرایی حزب دمکرات به مناسبت سالروز روزنامه‌نگاری کوردی



”مصطفی هجری“ مسئول اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران به مناسبت سالروز روزنامه‌نگاری کوردی، پیام تبریکی خطاب به روزنامه‌نگاران متعهد کورد منتشر نمود.

متن کامل پیام بدین شرح است:

سالروز روزنامه‌نگاری کوردی بر همه روزنامه‌نگاران متعهد کورد مبارک باد. به امید آن روز که روزنامه‌نگاران کورد همانند سایر روزنامه‌نگاران دنیای پیشرفته، در انتشار حقایق و اطلاع‌رسانی برای مردم آزاد و مستقل بوده و همه موانع موجود بر سر راه توسعه و پیشرفت در انجام این وظیفه مهم از میان برداشته شوند.

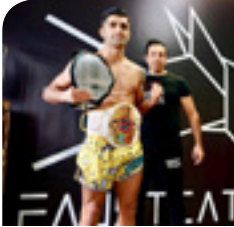
حزب دمکرات کوردستان ایران
مسئول اجرایی
مصطفی هجری
۲ اردیبهشت ۱۳۹۹ خورشیدی

www.kurdistanmedia.com



خصوصی سازی یا ...

۷



مضاجبه کوردستان

۶



فساد سیستمی

۵



نمایش قدرت یا ...

۴

سنگ

تاریخ علیه انسان

کریم پرویزی

سیستم استعمارگر حاکم بر ملیت‌های ستم‌دیده، نه تنها حال را استعمار کرده، بلکه در تلاش برای تحریف تاریخ و واقعیت‌ها بوده و به معنای دیگر استعمارگر کنونی درصدد اشغال تاریخ نیز می‌باشد.

در این تفکر ایدئولوژیک، تاریخ بعنوان چند حادثه واقعی مورد بحث قرار نمی‌گیرد، بلکه از میان حوادث گذشته، برخی از این وقایع را برگزیده و با تحریف، آنان را بیان کرده و در کنار هم می‌چیند و تاریخی دروغین و غیرواقعی از آن می‌سازد.

این تاریخ دستکاری شده و دروغین را مبنای استدالات خود قرار داده و بدینسان بر پایه دروغ، برای استمرار سیستم ضد حقیقت خود دروغی به هم می‌بافد.

در این جریان تحریف‌آمیز، حتی بعد از نابودی حکمران موجود نیز، تاریخ تحریف شده سال‌های مبدی دوباره و چند باره برای فرزندان جامعه بیان می‌گردد و اینک هرکس در ایران کتابی تاریخی غیر از فارسی مطالعه نماید، بطور کامل تمام سحر و جادوی تاریخ دروغین ایران باستان و صدهای بعد از آن نیز برایش آشکار می‌گردد.

آنچه که سیستم استعمارگر و به اصطلاح روشنفکران وابسته به این سیستم، افرادی همچون فروغی درعصر پهلوی و افرادی وابسته به جمهوری اسلامی همچون بهنود و جعریان و نویسندگان مهرنامه و چشم‌انداز و ... انجام می‌دهند، تخلیه مغز انسان‌ها در جامعه چند ملیتی ایران بوده که تاریخ ایران که پر از تنش و درگیری است، به شیوه‌ای آن را بازنویسی کنند که هویتی متفاوت برای انسان ایجاد نمایند.

در این هویت تحریف شده، کورد باید پیشوا و جمهوری کوردستان و حزب دمکرات را بعنوان ساخته و بازپچه کشورهای خارجی شناخته و رضاخان و خمینی را بعنوان قهرمانان ملی! بشناسد.

اکنون شخصی مانند زاهدی فرزند کودتاگر سال‌های ۱۳۳۲، قاسم سلیمانی تروریست را بعنوان

که در این روزها لقب "پزشک راستگو" در دنیای مجازی به خود گرفت علنا اعلام کرد که از سوی مراکز امنیتی احضار و مورد تهدید قرار گرفته است.

وی در روزهای نخست نسبت به شیوع ویروس کرونا هشدار می‌دهد و اذعان نمود که شرایط کوردستان و استان سنجند خیم است. اما ارگان‌های رژیم سخنان وای را رد کردند. سپس روشن گردید که دکتر یوسف پور اوج بحران را درک کرده است. در تازه‌ترین آمار ستاد مقابله با کرونا نیز مشخص شد که استان کرمانشان در کوردستان ایران وضعیت وخیمی دارد.

بر اساس این ادله دور از عمل نیست که در پروسه‌ای امنیتی مانند باقی سناریوهای دیگری فعالان سیاسی، مدنی، محیط زیست و دیگر که تنها هدف آنان اطلاع‌رسانی بوده است حذف شوند. این واقعیتی انکارناپذیر است که سالیان متمادی است رژیم اسلامی ایران و سپاه تروریست پاسداران آن را اجرا کرده‌اند.

این رژیم برای ادامه حیات خود تنها از بحرانی به بحرانی دیگر روی آورده است و زندگی مردم ایران به اضطرابی پیوسته بدل گشته است.

کشوری قرار دارند، این استان‌ها به ترتیب رتبه‌های یکم تا آخر را به خود اختصاص داده‌اند.

شاخص فلاکت با رفاه اقتصادی نسبت معکوسی دارد و افزایش آن نشانگر وخامت وضعیت اقتصادی در استان‌های کشور است. این شاخص نشان می‌دهد باتوجه به کاهش قدرت خرید مردم نسبت به افزایش تورم و رابطه گسترش فقر و بیکاری، این استان‌ها بیش از همه نقاط دیگر ایران وضعیت معیشتی نابه‌سامانی را تجربه می‌کنند. استان‌های لرستان، کردستان، چهارمحال و بختیاری و کرمانشاه را در صدر جدول فلاکت در ایران نشان می‌دهد.

رژیم به شیوه سیستماتیک حقوق ملت‌های دیگر ایران را پایمال کرده و افزایش شاخص فلاکت اقدامی برای فقیر ماندن این استان‌ها است. این وضعیت بحرانی است که برای طبقه فقیر تصور شده است. اما این خود پرسشی جای تاسف است که نمونه آن فقط در جامعه ایران دیده می‌شود.

در جوامع دیکتاتوری خطرناکترین مسئله برای حکومت عبارت است از انتشارات راستی‌ها؛ این اکنون در این به وضوح به چشم می‌خورد! برای نمونه دکتر رحیم یوسف‌پور

در این گزارش تاکید شده بود که شیوع ویروس کرونا باعث گشته که بازار کار در هر دو مورد عرضه و تقاضا تحت تأثیر قرار بگیرد، از سوی دیگر تعطیلی و کاهش فعالیت‌ها، اخراج نیروی کار را به دنبال خواهد داشت.

همچنین گفته شده که بازار کار ایران در سال ۱۳۹۹ شمسی با کاهش میزان حضور، کاهش مشاغل و افزایش نرخ بیکاری روبرو می‌گردد. آخرین آمار رسمی رژیم ایران نشان‌دهنده آن است که نرخ تورم و بیکاری که این دو در مجموع به نرخ فلاکت منتهی می‌گردد، در استان‌های کوردستان ایران و تمامی استان‌هایی که ملیت‌های ایران در آن ساکن می‌باشند در سال ۹۸ دارای بیشترین آمار می‌باشند.

بر اساس این آمار شاخص فلاکت کشور طبق آخرین نرخ بیکاری در زمستان ۹۸ و نرخ تورم در فروردین سال ۹۹ خورشیدی ۴۲.۸ اعلام شده است. استان لرستان با نرخ فلاکت ۵۳.۸ (نرخ بیکاری معادل ۱۶.۸ درصد و نرخ تورمی معادل ۳۷ درصد) و استان‌های سنجند و چهارمحال و بختیاری به ترتیب با نرخ فلاکت ۵۱.۶ و ۴۸.۷ درصدی، بالاتر از میانگین

آنان شود.

نبود قانونی جامع و مدون برای حمایت از کارگران، بحران‌های نبود کار، نبود امنیت شغلی و نبود امکانات بهداشتی برای جلوگیری از ابتلا به این ویروس، نگرانی فراوانی در برابر وضعیت کارگران بوجود آورده است.

درحالی‌که این بحران بر اقتصاد بیش از ۱۹۰ کشور جهان تأثیر گذاشته است، اما اکثر کشورها با مدیریت درست و راهکار صحیح مانند معافیت مالیاتی و کمک مالی به افرادی که در این وضعیت بیکار شده‌اند، به مردم خویش کمک می‌نمایند. اما بر خلاف آن در ایران، بدلیل عدم قانونی جامع برای حمایت از اقشار پایین جامعه، مشاهده می‌نماییم که این قشر از جامعه نه تنها به نخستین قربانیان مبدل گشته بلکه احتمال نابودی آنان نیز بالاست.

چند روز قبل معاون اقتصاد کار و رفاه اجتماعی رژیم در گزارشی در خصوص تأثیرات شیوع ویروس کرونا بر اقتصاد ایران هشدار داده و اعلام کرد: بیش از ۴ میلیون و ۸۰۰ هزار شاغل، در خطر از دست دادن کار خود می‌باشند و وضعیت کار و کاسبی بعد از شیوع کرونا به حالتی بحرانی درآید.

درحالی‌که بحران کرونا سراسر جهان را دربر گرفته، مردم ایران با همه اقشار خود در وضعیتی بحرانی‌تر به سر می‌برند، بی‌مدیریتی و بی‌کفایتی مسئولان رژیم ایران که خود عامل اصلی انتشار ویروس کرونا در ایران می‌باشد به حدی رسیده که زندگی مردم چند برابر قبل از چهارچوب خود خارج شده است.

در این ایام کارگران در وضعیتی نگران‌کننده به سر می‌برند، وضعیتی بسیار سخت بر کار و زندگی کارگران و قشر فقیر جامعه تحمیل گردیده است. وضعیت خانواده کارگران با در نظر گرفتن افزایش نرخ اقلام و کاهش قدرت خرید کارگران بسیار نگران کننده می‌باشد این نیز در حالی می‌باشد که مسئولان رژیم همه منابع و ثروت مردم را مصادره کرده و تنها وعده و وعید دروغ به مردم می‌دهند.

موضوعی که در این اواخر نگرانی فراوانی در بین مردم که درآمد ایجاد نموده، اخراج و تعدیل کارگران شرکت و کارگاه‌ها می‌باشد، اکثر کارگران بویژه کارگران روزمزد در چند روز گذشته از مشاغل خود اخراج شده‌اند، بدون آنکه از سوی رژیم ایران کوچکترین توجهی به

«مصطفی هجری» به مناسبت روز دانشجوی کورد پیامی منتشر نمود



دمکرات کوردستان ایران، سر تعظیم در برابر شهدای مبارزات آن سالها و همه شهیدان راه آزادی کوردستان فرود می‌آوریم.

حزب دمکرات کوردستان ایران
مسئول اجرایی
مصطفی هجری
۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۹ خورشیدی

"مصطفی هجری" مسئول اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران به مناسبت روز دانشجوی کورد طی پیامی این روز را به تمام دانشجویان کورد تبریک گفت.

متن پیام بدین شرح است:
پیام "مصطفی هجری" به مناسبت روز دانشجوی کورد
دوازدهم اردیبهشت‌ماه، سالروز شهادت اسماعیل شریف‌زاده و همزمان دمکرات وی در حماسه باشکوه مبارزات سالهای ۱۳۴۶-۱۳۴۷ علیه رژیم پهلوی است، بدین مناسبت این روز به عنوان روز دانشجوی کورد مشخص گردیده است.

ضمن تبریک روز دانشجوی کورد به همه دانشجویان در کوردستان ایران و اتحادیه دانشجویان

شرایط برای کارگران در ایران بسیار نگران کننده است



است نه تنها جان صدها هزار انسان را گرفته بلکه ملیون‌ها کارگر را روانه خانه کرده و مجبور به بیکاری و یا شاید بازنشستگی پیش از موعد کرده است. این در حالی است که در بیشتر کشورهای جهان علی‌الخصوص کشورهای اروپایی نهادها و موسسات دولتی که با ارائه بسته‌های مالی حداقلی به بیکار شدگان خواهان تامین و یا شاید ساکت نگه داشتن قشر زحمتکش جامعه بودند به تدریج و یکی پس از دیگری از این تسهیلات حداقلی نیز کاسته و خواهان برگشتن کارگران بر سر کار با قبول ریسک بزرگ جانی هستند.

این در حالی است که شرایط در ایران برای کارگران بسیار نگران کننده‌تر از این‌هاست. کارگران ایرانی که با برخورداری از حداقل دستمزد روزانه قبل از پاندومی کرونا امرار معاش می‌کردند اکنون به صف خیل عظیم بیکاران در ایران پیوسته‌اند و مشمول کوچکترین تسهیلات حکومتی نیز نمی‌شوند.

و این در شرایطی است که باند‌های قدرت در جمهوری اسلامی از رانت‌های دولتی برخوردارند و منابع ثروت اجتماعی بین خودی‌ها تقسیم می‌شود، زحمتکشان در شرایط سختی روزگار می‌گذرانند، تورم اقتصادی در جامعه و بالا رفتن قیمت اجناس مورد نیاز مردم، قدرت خرید کارگران و زحمتکشان را پایین آورده

سه تشکل سیاسی در بیانیه‌ای مشترک روز جهانی کارگر را به کارگران ایرانی تبریک گفتند.

متن بیانیه بدین شرح است:
کنگره ملیت‌های ایران فدرال، شورای دموکراسی خواهان ایران و همبستگی برای آزادی و برابری در ایران روز جهانی کارگر، اول ماه می را به تمام کارگران جهان، بخصوص کارگران ایرانی از همه ملیت‌ها، صمیمانه تبریک می‌گوید.

کنگره ملیت‌های ایران فدرال شورای دموکراسی خواهان ایران همبستگی برای آزادی و برابری در ایران روز جهانی کارگر، اول ماه می را به تمام کارگران جهان، بخصوص کارگران ایرانی از همه ملیت‌ها، صمیمانه تبریک می‌گوید.

امسال در حالی به استقبال اول ماه مه روز جهانی کارگر می‌رویم که جهان دستخوش تغییراتی است که می‌رود پایه‌های نظم جهانی سرمایه را به لرزه درآورد. پاندومی کرونا و رشد غیر قابل کنترل آن نه تنها خسارت‌های جانی بسیاری به همراه داشته بلکه با به تعطیلی کشاندن بسیاری از مراکز بزرگ تولیدی و صنعتی به شیوه مستقیم و غیر مستقیم بر زندگی اکثریت قریب به اتفاق مردم جهان تاثیر گذاشته است.

در چنین آشفته بازاری که سیاست‌های نئولیبرالیزمی سرمایه‌داری جهانی با وجود تمام ادعاها قادر به کنترل آن نبوده‌اند بی‌گمان بیش از همه قشرهای آسیب پذیر جامعه و بالطبع خانواده‌های کارگران تحت شعاع قرار گرفته و از آن متضرر شده‌اند. ناگفته پیداست که شیوع ویروس که خود برآمده از دخل و تصرف بی محابای انسان در اکوسیستم و نابود کردن چرخه طبیعی حیات به بهانه پیشرفت و اکتشافات بشری

سواستفاده رژیم ایران از نام "حزب دمکرات"



ایران، شبانه به منازل خانواده‌های پیشمرگه، شهید و میهن‌پرستان کوردستان رفته و از آنان تقاضای کمک می‌کنند.

خطاب به افکار عمومی:

این افراد هیچگونه ارتباطی با حزب دمکرات کوردستان ایران ندارند و از مردم کوردستان تقاضا می‌نماییم که از هرگونه کمک به این افراد خودداری نمایند.

مسلح ناشناس در کوه‌های "دره قاسملو" و "باراندوز" خود را بعنوان پیشمرگه حزب دمکرات کوردستان ایران معرفی کرده و از مردم تقاضای همکاری کرده‌اند.

در همین خصوص یک منبع مطلع به وب سایت "کوردستان میدیا" اعلام کرد: "این افراد مجهول‌الهویه وابسته به رژیم بوده و تحت نام پیشمرگه حزب دمکرات کوردستان

حزب دمکرات کوردستان ایران در بین آحاد مردم کوردستان نهادینه شده و از حمایت اکثریت جامعه برخوردار بوده، ازاین رو رژیم ایران از نام این حزب سواستفاده می‌کند. تعدادی از عوامل رژیم در شهرستان ارومیه و مناطق آن، تحت نام حزب دمکرات از مردم تقاضای کمک مالی کرده‌اند.

در چند روز گذشته تعدادی افراد

کتاب جامعه شناسی "ژ.ک" چاپ و منتشر گردید



کتاب جامعه شناسی سیاسی حزب کومله تجدید حیات کوردستان "ژ.ک" (کۆمهله‌ی ژێپانه‌وی کوردستان) چاپ و منتشر گردید.

این کتاب از سوی نویسنده و پژوهشگر معاصر کوردستان، دکتر "امیر سجادی" به رشته تحریر درآمده و توسط انتشارات "مادیار" به چاپ رسیده است.

این کتاب تاریخی بوده و تاریخ ناسیونالیسم کورد را تشریح می‌کند. این کتاب به تأسیس کومله "ژ.ک" در اوایل دهه ۲۰ خورشیدی که انعکاس شکل‌گیری

بخشدار مرکزی شهرستان نقده استعفا داد



نصب تندیس قهرمان نامی کوردستان، زندیاد "محمد اوراز" در یکی از میادین شهر نقده، اعتراض شورای این شهر را در پی داشت. "خلیل حبیبی"، بخشدار مرکزی شهرستان نقده را مجبور به استعفا نموده‌اند. مسئولان رژیم ایران در شهرستان نقده درصدد بوده تا در این محل، مجسمه آخوند تروریزست "غلامرضا حسنی"، نماینده پیشین رهبر رژیم ایران را نصب نمایند که دست وی به خون جوانان ملت کورد آغشته می‌باشد. مخالفت با نصب تندیس زندیاد

نصب تندیس قهرمان نامی کوردستان، زندیاد "محمد اوراز" در یکی از میادین شهر نقده، اعتراض شورای این شهر را در پی داشت. "خلیل حبیبی"، بخشدار مرکزی نقده استعفای خود را تقدیم فرماندار این شهرستان نموده و دلیل آن را اختلافات پیش‌آمده بدلیل نصب تندیس زندیاد "محمد اوراز" و سواستفاده مسئولان رژیم از احساسات مردم و ایجاد نفاق و درگیری در بین دو ملت کورد و ترک عنوان کرد.

گفتار ناسیونالیسم خاص گرا کورد در کوردستان ایران بوده، پرداخته است. این کتاب بر تبارشناسی، مطالعه ریشه‌ها و چگونگی تولد و تداوم ایده ملی‌گرایی مبنی بر انتنیسته

در میان کوردهای ایران پرداخته است. جامعه شناسی سیاسی بعنوان مبنای تحلیل کنش متقابل کوردها با نظام سیاسی پهلوی اول، رویکرد اصلی این پژوهش را تشکیل داده است.

"محمد اوراز" و نصب مجسمه آخوند تروریزست "غلامرضا حسنی"، در چهارچوب ایجاد تفرقه و نفاق در بین دو ملت کورد و ترک صورت می‌پذیرد.

اختلاف و درگیری بر سر نصب تندیس زندیاد "محمد اوراز" در شهرستان نقده درحالی است که در دیگر شهرهای کوردستان، تندیس نامبرده بعنوان قهرمان نامی کوردستان نصب گردیده است.

"محمد اوراز" قهرمان نامی کوردستان در رشته کوهنوردی و معروف به "عقاب کوه‌ها"، در سال۱۳۴۲ در شهرستان نقده متولد شده و در سال ۱۳۶۷ با تأسیس گروه کوهنوردی "قندیل" بصورت حرفه‌ای به ورزش کوهنوردی روی آورد و درسال ۱۳۸۲ شمسی در کوهستان "گاشربروم ۱" پاکستان، بر اثر بهمین سقوط کرده و در بیمارستان "شفا" پاکستان جان خود را از دست داده و آرامگاه وی در کوه "سلطان یعقوب" نقده می‌باشد.

سپاه تروریستی پاسداران درصدد ایجاد اختلاف در بین مردم است

رفته و با این اقدام شوم و پلید در تلاش برای خدشه‌دار نمودن سیمای این خانواده‌ها بوده است. مردم منطقه "چوم مجیدخان" اعلام کرده‌اند که از این برنامه و توطئه رژیم و مزدوران وابسته به آن مطلع بوده و آنان موفق نخواهند شد که با این اقدام پلید و کثیف بین مردم نزاع و درگیری بوجود آورده و چهره خانواده‌های شهدای کوردستان را خدشه‌دار کنند.

ادامه سخن

قهرمان معرفی می‌کند! در تاریخ تحریف شده، حکومت مادها، حکومتی منفور و حکومت هخامنشی بعنوان امپراطوری باشکوه نشان داده می‌شود. در همین راستا حکومت صفوی به افتخار ایران مبدل گشته و حکومت زندیه بعنوان حکومتی پرتنش و مایه ننگ و شرمندگی تعبیر می‌شود! آنچه برای صاحبان این تفکر حائز اهمیت است، تاریخ تحریف شده تولید می‌شود تا بدین وسیله انسان‌های معاصر اهلی و رام گردند.

اکنون نه تنها اپوزسیون و نیروهای خارج از ایران، بلکه خود جمهوری اسلامی و سران این رژیم می‌دانند که در آینده‌ای نه چندان دور، باید در برابر تغییری بزرگ سر خم کرده و جمهوری اسلامی نیز به موزه جنایات حکومت‌ها خواهد پیوست. اما هنوز رگه‌های استعمارگری در تفکر و نگرستن‌ها آنقدر قوی بوده که دوباره تاریخ دروغین و بهانه غیرعلمی در افکار عمومی نشر می‌گردد تا چنان وانمود شود که اگر ایران از حالت صفوی و هخامنشی خارج گردد، فاجعه بوقوع پیوسته و قیامت روی خواهد داد!

در این متد تشریح و تفسیر، انسان بعنوان اساس تفکر تلقی نمی‌گردد و محور اصلی انسان و حق و آزادی‌های آن نیست، بلکه تفکر باستان‌گرایی و تقدس مرزهای دست ساز و دروغین به اساس و ریشه مبدل می‌گردد. تناقض این موضوع در آن است که این افکار تصور کرده که مرزهای ایران بسیار گسترده‌تر از حال بوده و تا کناره‌های مدیترانه امتداد داشته است، سپس توسط ابر قدرت‌ها، ایران کوچک شده است؛ اما همین مرزها که بر آنان تحمیل شده، اکنون همان مرز کوچک شده توسط ابر قدرت‌ها را مقدس دانسته و به نام آن بر انسان‌های داخل این چهارچوب جغرافیایی ظلم روا می‌دارند!

تاریخ و مرز دروغین، در ایدئولوژی استعمارگری به اساس رفتار مبدل گردیده و به نام تقدس باستان‌گرایی و تاریخ و مرز درصدد ساختن جهنمی دیگر برای ملیت‌های ایران می‌باشند. ستم و آشوب در ایران استمرار داشته، تا زمانیکه انقلابی در فکر و اندیشیدن مردم بوقوع پیبوند و به جای تقدیس تاریخ تصنعی، حق و آزادی‌های انسان و برابری ملیت‌ها اساس قرار گیرد.



در چند روز گذشته تعدادی از وسایل به سرقت رفته مردم از سوی یکی از پاسگاه‌های منطقه مصادره شده و سپس ظاهراً از مردم تقاضا شده تا به این پاسگاه رفته و وسایل خود را دریافت نمایند. در همین راستا، سپاه و اطلاعات رژیم در "میان‌دوآب" برای یافتن اموال سرقتی کشاورزان، به منازل خانواده‌های خوشنام، پیشمرگه و مبارزان راه آزادی رفته که با هدف خدشه‌دار کردن چهره خانواده‌های پیشمرگه صورت پذیرفته است. در مدت چند روز گذشته در روستای "سرچنار"، مزدوران رژیم به منازل خانواده‌های پیشمرگه

پایگاه‌های سپاه تروریست پاسداران در روستای "سرچنار" در حال سرقت و غارت بوده و وسایل کشاورزان و باغداران این منطقه بوده و سپس این وسایل را با هدف ایجاد اختلاف بین مردم به آنان پس داده‌اند. همچنین عوامل خودفروخته رژیم در روستای "سرچنار" شبانه به مزارع کشاورزان رفته و اقدام به سرقت وسایل کشاورزی مردم می‌کنند. عوامل رژیم این اقدام را با هدف ایجاد درگیری و نزاع در بین خانواده‌های این روستا انجام می‌دهند.

برملا شدن انبار احتکار شده شکر مسئولان رژیم بر اثر ریزش دیوار



قیمت شکر و گرانفروشی به مردم صورت پذیرفته است. مسئولان رژیم ایران دو روز قبل اعلام کردند که سهمیه شکر اسفند ماه سوخت شده و شکر با نرخ جدید در بازار عرضه می‌گردد. در همین راستا، دیروز قیمت هر کیلو شکر در ایران به ۶ هزار و ۵۰۰ تومان رسیده بود.

رژیم ایران از قبل ۱۰۰ هزار تن شکر را با ارز ۴۲۰۰ وارد کرده بود که باید با نرخ ۴ هزار و ۵۰ تومان در بازار توزیع می‌گردید.

همزمان با افزایش نرخ شکر در بازار ایران، انبار احتکار شده شکر مسئولان سپاه در اثر ریزش دیوار سوله برملا شد. ریزش دیوار سوله‌ای در یکی از گاراژهای "دیزل آباد" تبریز، انبار احتکار ۵۰۰۰ تن شکر را آشکارا ساخت.

این گاراژها متعلق به تعدادی از سران سپاه و وزارت اطلاعات و نیروی انتظامی رژیم می‌باشد. دراختیار قرار ندادن این ۵ هزار تن شکر برملا شده از سوی مسئولان رژیم ایران با هدف گران نمودن

ادامه غارت منابع طبیعی کوردستان از سوی عوامل رژیم



مردم روستا خسارات فراوانی وارد آورده است. نامبرده با فرمانداری و بخشداری شهرستان مهاباد روابط نزدیکی داشته و برای استخراج سنگ معادن از سوی "جلال محمودزاده" نماینده رژیم، بصورت مستقیم حمایت می‌شود. این مهره رژیم با حمایت مسئولان رژیم به تهدید مردم و نابودی و غارت منابع طبیعی کوردستان ادامه می‌دهد.

مزارع مردم نیز می‌نماید. "ی.ق" با حمایت رژیم و شیوه‌های مختلف مرده روستا را تهدید کرده و بدون اجازه آنان بخش اعظمی از مراتع و چراگاه‌های اطراف روستا که تنها ۱۰۰ متر از روستا فاصله دارند را با ماشین‌آلات سنگین تخریب می‌کند. انفجارهای ناشی از استخراج معادن باعث ترس و وحشت کودکان و بیماران این روستا گردیده و همچنین به منازل قدیمی و احشام

رژیم ایران از طریق عوامل خود و افراد سودجو مدام اقدام به غارت منابع طبیعی کوردستان مانند معادن کرده و از طرق مختلف اقدام به این کار می‌کند. در روستای "آلبلاغ" از توابع "شهرویران" مهاباد، شخصی به نام "ی.ق"، چندین سال است که معدن "سنگ سیلیس دیلومت" این روستا را خریداری کرده و جدا از محدوده معدن، با حمایت مسئولان رژیم اقدام به دستکاری مراتع و

کارگران ایرانی با ۱۳۷ سال پرداخت قسط صاحب مسکن می‌شوند



حقوق پایه کارگران رسمی طبق مصوبه مجلس رژیم ایران در سال ۱۳۹۹، یک میلیون و ۸۳۵ هزار تومان تعیین شده که با اضافه حقوق و مزایا به ۲ میلیون و ۱۵۸ هزار تومان خواهد رسید. مجلس رژیم ایران در حالی این پایه حقوق را برای کارگران در نظر گرفته که سقف خط فقر در ایران حدود ۷ میلیون تومان می‌باشد.

کارگر حدود ۹۰۰ برابر شده، در حالیکه قیمت بنزین، نان و خودرو ۳ هزار برابر شده و قیمت مسکن ۶ هزار برابر و قیمت سکه ۱۰ هزار برابر شده است. این آمار و ارقام مختص به کارگران رسمی بوده و وضعیت بیش از ۵ میلیون کارگر با شغل‌های غیر رسمی بسیار وخیم‌تر از این می‌باشد.

"محسن رنانی" اقتصاددان و تحلیلگر مسائل اقتصادی عنوان کرد که یک کارگر برای داشتن مسکن باید به مدت ۱۳۷ سال قسط پرداخت نماید، این در حالی است که قبل از انقلاب یک کارگر با پرداخت اقساط ۲۴ ماهه می‌توانست صاحب مسکن گردد. نامبرده افزود که در سال ۱۳۵۸ یک کارگر با پس‌انداز دستمزد ۱۳ ماه خویش می‌توانست خودروی پیکان را خریداری کند اما اکنون یک کارگر با پس‌انداز ۴۶ ماه دستمزد خویش قادر به خرید یک دستگاه پراید خواهد بود. سفره هر خانوار کارگر ایرانی به حدود یک چهارم اوایل انقلاب رسیده است. در مدت ۴۰ سال از زمامداری رژیم اسلامی ایران، دستمزد هر

دستور وزیر نفت رژیم منجر به بیکاری ۱۰هزار نفر خواهد شد



این درحالی است که مسئولان رژیم ایران همواره ادعا داشته که تحریم‌های آمریکا هیچگونه تاثیری بر آنان و اقتصاد رژیم نخواهد داشت.

۲۸مخزن تحلیل می‌کنند. درآمد نفتی رژیم ایران با کاهش چشمگیری روبرو شده و بسیاری از پروژه‌های تولیدی وزارت نفت رژیم متوقف شده است.

به دستور "بیژن زنگنه" وزیر نفت رژیم ایران، ۲۰ دکل حفاری شرکت حفاری ایران در مناطق نفت‌خیز جنوب تعطیل شده است. به طور کلی، تریخص هر دکل منجر به بیکاری ۲۰۰ نفر از پرسنل مشغول به کار در دکل خواهد شد.

تریخص این دکل‌ها باعث بیکاری مستقیم ۴ هزار نفر از پرسنل این دکل‌ها خواهد شد و اشتغال حدود ۱۰هزار نفر که کارشان به صورت غیرمستقیم در ارتباط با صنعت حفاری است را به خطر می‌اندازد. کارشناسان رژیم، هدف از تریخص ۲۰ دکل حفاری توسط زنگنه را در راستای حمایت از طرح توسعه

نمایش قدرت یا ضعف و تلاش برای مذاکره و معامله؟

مختار نقشبندی

هفته گذشته خبر پرتاب ماهواره نظامی سپاه تروریستی پاسداران مردم ایران و سیاستمداران غربی و کشورهای منطقه را شگفت‌زده کرد، البته نه به دلیل اهمیت و پیشرفتگی این ماهواره بلکه به دلیل بحران آفرینی رژیم در شرایطی که کرونا و رکود اقتصادی و تورم بالا و فقر شدید ایران را با بحرانی بی سابقه روبرو کرده است. این اقدام نه تنها کمکی به بهبود شرایط نمی‌کند بلکه باعث افزایش تنش میان ایران با کشورهای غربی و منطقه می‌شود و مستقیم و غیرمستقیم بر اقتصاد ایران تاثیر منفی خواهد گذاشت، مطمئنا رهبران و مسئولان رژیم از تاثیرات منفی این اقدام در افزایش تنش‌ها آگاه بوده‌اند و این اقدام کاملا حساب شده انجام شده است اما سوال این است که در ذهن مسئولان رژیم چه گذشته است و چرا در این شرایط چنین اقدام پر تنشی را انجام داده اند؟ آیا هدف نمایش قدرت است یا عملی از روی ضعف و برای تبلیغات و تلاش برای مذاکره و معامله؟

برای پی بردن به هدف اصلی رژیم از پرتاب ماهواره نظامی لازم است از نظر تبلیغاتی و سیاسی و نظامی این مسئله بررسی شود.

تبلیغاتی:

به علت فساد گسترده اداری و عدم مدیریت صحیح و وجود دولت سایه (سپاه تروریستی) و تحریم و انزوا ایران در دو سال گذشته وارد رکود اقتصادی و تورم بالا شده و رژیم را هم در داخل ایران برای تأمین حداقل نیازهای مردم با مشکل روبرو کرده است و هم در خارج از کشور برای تأمین هزینه‌های جنگ نیابتی و کمک به گروه‌های تروریستی شبه نظامی با مشکل جدی روبرو کرده است و این مشکلات اقتصادی و تاثیرات آن در کنار مسائلی همچون کشته شدن قاسم سلیمانی و افزایش حملات اسرائیل به نیروهای رژیم ایران باعث دلسردی و نگرانی و ترس نیروها و هواداران رژیم چه در داخل کشور و چه در میان گروه‌های شبه نظامی وابسته به ایران شده است و این بزرگترین خطر برای رژیم ایران است، در چنین شرایطی خبر تکراری مانور نظامی یا آزمایش موشک‌های کوتاه برد تاثیر زیادی بر روح هواداران رژیم نمی‌گذاشت اما خبر پرتاب و در مدار قرارگرفتن ماهواره نظامی این امکان را به دستگاه تبلیغاتی رژیم داد که در کنار این خبر جدید به دروغ پراکنی و امیدهای واهی ادامه بدهند و به نیروها و عواملشان چه در داخل ایران و چه خارج از کشور این پیام را بدهند که رژیم ایران در حال سرنگونی نیست و حداقل برای مدت کوتاهی هم که شده مانع نا امیدی و یأس بیشتر نیروهایشان بشوند.

پیغام سیاسی و تهدید کشورهای غربی:

تحریم تسلیحاتی ایران در پائیز امسال به پایان می‌رسد و ایران می‌تواند از کشورهایی همچون روسیه و چین و یا هر کشور فروشنده دیگری سلاح‌های متعارف از جمله هواپیماهای نظامی خریداری کند، این مسئله از چند جهت برای رژیم ایران مهم است از جمله اینکه تجهیزات بخش‌های مهمی از نیروهای مسلح ایران به ویژه نیروی هوایی فرسوده و قدیمی هستند و ایران تکنولوژی و توانایی ساخت تجهیزات مدرن

طرفی آمریکا و اسرائیل در تلاش هستند تا تحریم تسلیحاتی ایران را به دلیل سیاست‌های مداخله جویانه و حمایت از تروریسم تمدید نکنند، اقدام رژیم ایران در پرتاب

دارنده آن را در کسب این اطلاعات بسیار بالا برده است، رژیم ایران که به صورت غیرمستقیم در چندین کشور در حال جنگ است و قصد کنترل کل خاورمیانه را دارد بشدت

و امنیتی رژیم باشد کار آسانی نیست و با توجه به اینکه هنوز تکنولوژی نظامی رژیم ایران در حدی نیست که بتواند تجهیزات نظامی خریداری کند در زمان

خبر پرتاب و در مدار قرارگرفتن ماهواره نظامی این امکان را به دستگاه تبلیغاتی رژیم داد که در کنار این خبر جدید به دروغ پراکنی و امیدهای واهی ادامه بدهند و به نیروها و عواملشان چه در داخل ایران و چه خارج از کشور این پیغام را بدهند که رژیم ایران در حال سرنگونی نیست و حداقل برای مدت کوتاهی هم که شده است مانع نا امیدی و یأس بیشتر نیروهایشان بشوند.

ماهواره نظامی حامل این پیغام برای کشورهای غربی است که اگر مانع خرید تسلیحاتی ایران بشوند آنان راه کره شمالی را در پیش خواهند گرفت و با تولید موشک‌های قاره‌پیما مستقیما خاک آن کشورها را تهدید خواهند کرد.

از لحاظ نظامی و امنیتی:

به اطلاعات دقیق و لحظه‌ای از طرف‌های مقابل احتیاج دارد، رژیم ایران سال‌هاست از طریق جاسوس و جنگ سایبری و پهباد در حال جمع آوری اطلاعات از اماکن ثابت است و حمله به آرامکوی عربستان نشان داد در این زمینه موفق بوده‌است اما در صورت بروز جنگ تمام عیار با آمریکا یا کشورهای عرب خلیج که احتیاج

رژیم گذشته که تکنولوژی شان مربوط به دهه شصت میلادی است را تعمیر کند و بیشتر تجهیزات نظامی که تولید می‌کند مشابه تسلیحات روسیه دهه هفتاد و هشتاد میلادی است جای شک است که به این زودی‌ها بتواند ماهواره جاسوسی و نظامی پیشرفته تولید کند، لازم به ذکر است که فرمانده نیروی فضایی

بر خلاف ادعای کارشناسان رژیم از نظر تکنولوژی، ایران فاصله بسیار زیادی با قدرت‌های جهانی دارد. برای نمونه آمریکا و روسیه در اواخر دهه پنجاه میلادی موفق به پرتاب ماهواره و ساخت موشک قاره‌پیما شدند یعنی بیش از شصت سال پیش!

از نظر نظامی و امنیتی پرتاب ماهواره نور از دو لحاظ اهمیت دارد یکی ماهواره و دیگری راکت حمل‌کننده آن (موشک)، ماهواره

به اطلاعات دقیق و لحظه‌ای از جابه‌جایی نیروها و سایت‌های موشکی و ضد موشکی و محل استقرار ناوها و ... است با مشکل

آمریکا اعلام کرده است که ماهواره ایران فاقد ارزش است و تنها یک دوربین معلق است که قادر به عکس برداری و کسب

هدف رژیم از پرتاب ماهواره نور بیشتر تبلیغاتی و به دلیل ضعف و مذاکره با غرب بر سر مسائلی همچون تحریم تسلیحاتی است، البته اگر آمریکا موفق به تمدید تحریم تسلیحاتی ایران در شورای امنیت هم نشود می‌تواند از روابط اقتصادی و سیاسی‌اش با روسیه و چین استفاده کند و مانع فروش تسلیحات پیشرفته به ایران شود.

نظامی خود را هم افزایش دهد و در چهار چوب خریدهای نظامی که از لحاظ اقتصادی مهم و با ارزش هستند روابط با کشورهای دیگر را افزایش دهد و از انزوا بیرون بیاید و این مسئله نه تنها برای اصولگرایان بلکه حتی برای دولت روحانی هم مهم است و در صورت تمدید تحریم تسلیحاتی فشارها بر دولت روحانی در مورد شکست برجام افزایش خواهد یافت، از

وسيله‌ای بسیار مهم برای نهادهای نظامی و امنیتی کشورها است و تاثیر بسیار بالایی در توانایی‌های این نهادها دارد، کشورها همواره با استفاده از جاسوس، هواپیمای تجسسی و پهباد و جنگ سایبری تلاش کرده‌اند اطلاعات مهمی از امکان حیاتی و نظامی و جابه‌جایی نیروها و همچنین کنترل و تعقیب اشخاص را به دست آورند و ماهواره توانایی کشورهای

مواجه خواهد شد چون در صورت جنگ تمام عیار به دلیل پرواز تعداد زیادی شکاری رهگیر پیشرفته عملا پهبادهای رژیم توانایی پرواز شناسایی را از دست خواهند داد، به همین دلیل رژیم ایران برای افزایش توان نظامی و کشورگشایی و سیاست‌های تهاجمی نیاز به ماهواره دارد اما ساخت ماهواره پیشرفته‌ای که پاسخگوی نیازهای نظامی

اطلاعات دقیق نیست. همچنین پرتاب این ماهواره به دلار پول نیاز دارد که با توجه به شرایط وخیم اقتصادی توانایی چنین خریدهایی را ندارد. لازم و ضروری است اپوزیسیون هرچه زودتر انتلافی بر اساس احترام به حقوق همه ملیت‌ها و مذاهب و احزاب تشکیل دهند و با متحد کردن مردم این رژیم را قبل از نابودی همه چیز سرنگون کنند.

نسبت به موشک‌های میان برد و کوتاه برد هستند و رژیم ایران هنوز به این تکنولوژی دست پیدا نکرده است اما پرتاب ماهواره نور می تواند سرآغاز دست یابی ایران به این تکنولوژی باشد، اما نگرانی آمریکا تنها به دلیل خود موشک قاره‌پیما نیست بلکه به دلیل استفاده احتمالی ایران از این سلاح برای حمل کلاهک هسته‌ای است و با توجه به اقدامات چند ماه اخیر ایران در زمینه هسته‌ای این نگرانی آمریکا بی دلیل نیست، در همین فروردین امسال رئیس سازمان انرژی اتمی ایران از ادامه فعالیت‌های هسته‌ای و رونمایی از نسل جدید سانتریفیوژها خبر داد و همچنین اعلام کرد که تولید و ذخیره‌سازی آب سنگین بدون هیچ محدودیتی در حال انجام است! این اقدامات ایران چه در زمینه هسته‌ای و چه موشکی بسیار شبیه اقدامات کره شمالی است و به همین دلیل نگرانی آمریکا جدی است. لازم به ذکر است که بر خلاف ادعای کارشناسان رژیم از نظر تکنولوژی ایران فاصله بسیار زیادی با قدرت‌های جهانی دارد برای نمونه آمریکا و روسیه در اواخر دهه پنجاه میلادی موفق به پرتاب ماهواره و ساخت موشک قاره‌پیما شدند یعنی بیش از شصت سال پیش!

رژیم ایران از نظر اقتصادی بشدت با مشکل مواجه شده است و احتمال شورش گسترده به دلایل معیشتی در چند ماه آینده بسیار بالا است و با توجه به وضعیت سیاسی و اقتصادی ایران و شرایط منطقه امسال شاهد تغییرات و اتفاقات مهمی در خاورمیانه خواهیم بود، هرچند پرتاب ماهواره نظامی یک قدم مهم برای دست یابی به ماهواره‌های پیشرفته و موشک‌های قاره‌پیما است اما رژیم برای دستیابی به چنین تکنولوژی به چند سال زمان نیاز دارد بنابراین پرتاب ماهواره و آزمایشات موشکی نمی‌تواند رژیم را از باتلاقی که در آن گیر افتاده نجات دهد و حداقل امسال تاثیری بر معادلات منطقه نخواهد داشت و هدف رژیم از پرتاب ماهواره نور بیشتر تبلیغاتی و به دلیل ضعف و برای معامله و مذاکره با غرب بر سر مسائلی همچون تحریم تسلیحاتی است، البته اگر آمریکا موفق به تمدید تحریم تسلیحاتی ایران در شورای امنیت هم نشود می‌تواند از روابط اقتصادی و سیاسی‌اش با روسیه و چین استفاده کند و مانع فروش تسلیحات پیشرفته به ایران شود هر چند که ایران برای خرید هنگفت تسلیحاتی و به روز کردن تجهیزات نیروهای مسلح به دهها میلیارد دلار پول نیاز دارد که با توجه به شرایط وخیم اقتصادی توانایی چنین خریدهایی را ندارد. لازم و ضروری است اپوزیسیون هرچه زودتر انتلافی بر اساس احترام به حقوق همه ملیت‌ها و مذاهب و احزاب تشکیل دهند و با متحد کردن مردم این رژیم را قبل از نابودی همه چیز سرنگون کنند.

فساد سیستمی



سولین سنه

فساد سیستمی به مجموعه‌ای از اقدامات هماهنگ در بخش‌های مختلف اداری و بوروکراتیک گفته می‌شود که گاه حتی در حوزه تصمیم‌سازی و تنظیم قوانین و مقررات اجرایی نیز نفوذ یافته و در جهت منافع نامشروع عده‌ای عمل می‌کند. این تقسیم وظایف کارکردی که با هدف پاسخگویی به نیازهای این نظام و سیستم فاسد صورت می‌گیرد آشکارا در جهت تقابل با منافع اکثریت است و برخورد با آن نیز به مراتب سخت‌تر از برخورد با اقدامات مفسدانه فردی است. وقتی ما می‌گوییم فساد سیستماتیک یعنی کل سیستم خراب است، یعنی دستگاه‌های مسئول مبارزه با فساد، خودشان مشکل پیدا کرده‌اند و در ایران هیچکس این واقعیت را انکار نمی‌کند. مشکلات اجتماعی گاهی خود را در آمار و اعداد و ارقام میزان بارش و خشکسالی، طلاق، اعتیاد، کودک آزاری، افزایش خشونت، پیش فروش نوزادان و ... نشان می‌دهد گاهی هم با وقوع یک حادثه عینی روان جامعه را جریحه دار می‌کند. اما مهمترین مشکلات اجتماعی ایران چیست؟ جامعه ایران جامعه با ثباتی نیست و تلاطمات زیادی را پشت سر گذاشته است؛ انقلاب و سرکوب‌های بعدی، هشت سال جنگ و فاسد، تاراج کلان عمومی و... ما تحولات عمده در جامعه داشتیم که همچنان اثراتشان برجامعه قابل مشاهده است. ضمن اینکه بعد از جنگ نظامی جامعه را در حالت جنگ سرد نگه داشتند، مخصوصا در حوزه اقتصاد به چپاول سامان کشور پرداختند. اقتصاد مبنای زندگی است. یکی از دلایل واگرایی در ایران مشکلات اقتصادی به خصوص در سال‌های اخیر است. وقتی سیستم تماما فاسد است و حکومت تحریم می‌شود، کارخانه‌ها، مزارع و ...

می‌خواهند تعداد بیکاران بالا می‌رود و بهداشت و درمان مردم دچار مشکل می‌شود. اثرات روانی این اتفاقات در روحیه جامعه اثر می‌گذارد و اثرات روحی در روابط اجتماعی بین افراد بروز می‌کند. در جنگ نظامی در عین صدمات فیزیعی که دارد، اما همبستگی اجتماعی

اسلامی با کجروی کوچک در میان شماری از دست اندرکاران آغاز شد، اما زمینه مناسب برای رشد فساد، باعث فراگیری آن در ابعادی شد که حتی با توجه به‌محدود بودن اطلاعاتی که تا کنون در اختیار عموم قرار گرفته، بی سابقه تلقی می‌شود. برخی از اقداماتی که در دیگر کشورها

ماهیتی نهادینه یافت. نسل مسئولان کشور ۴۰ سال است در یک دایره بسته نهایتا ۲۰۰۰ نفری در حال گردش است. در این فساد سیستمی به جز مسئولان مفسدین از نزدیکان رئیس‌جمهور و اعضای دولت یا مستقر در قوای دیگر هستند. هر قدر روابط اداری از صورت رسمی خودش خارج شود و

و شوهر، فرد با محله و ... تا مشکلات کلان (مثل رابطه مردم با حکومت) می‌شویم. حکومت به عنوان نماینده جامعه وظیفه دارد حداقل نیازهای حیاتی، پایه‌ای زیستی و زیست اجتماعی ما را فراهم کند. تهیه مسکن، تغذیه، بهداشت، درمان، آموزش، شغل، ... از وظایف اولیه دولت‌های

تاریخی خوبی ندارند برای مثال وقتی مردم می‌بینند کسی که انتخاب کردند با ساز و کار قانونی از کار کنار گذاشته می‌شود و در مسئولیت نمی‌ماند و فرد از قبل مشخص شده بر سر کار می‌آید از انتخابات ناامید می‌شوند. با این کار همین حداقل نقش مردم هم سلب خواهد شد. در این شرایط آن مردمان در توسعه مشارکت نمی‌کنند، چرا که کشور را متعلق به خودشان نمی‌دانند. سیستم به طور طبیعی فساد آور و فساد پرور است یعنی باید آدم بگردد تا آدم سالم پیدا کند. فساد مانع اصلی بر سر راه تحقق توسعه اقتصادی کشور است وتوسعه امکان ندارد بدون مشارکت دادن مردم یک جامعه اصلا بتواند ریشه بدواند و پا بگیرد. برای توسعه و پیشرفت میبایستی راه را بر مفسدان و اخلاک‌گران در نظام‌های مالی و اقتصادی بست چون پیامدهای مخرب و نامطلوب آن برای کشور فقیر و کم درآمد که به شدت از کسری بودجه و کمبود ارز و سرمایه رنج می‌برد فاجعه بارتز و ویران‌کننده‌تر خواهد بود در کل می‌توان فساد سیستماتیک را (مرگ توسعه) خواند. فساد اقتصادی ابعادی چنان حیرت آور یافته که حتی برخی از مسئولان حکومتی نیز ناگزیر از اعتراف به آن شدند. برای پاکسازی یک نظام و یک جامعه از همه اشکال بیماری مهلک فساد و جلوگیری از بروز مجدد آن، بیش از هر چیز وجود فضای آزادی بیان، اجتماع و حق نظارت عمومی لازم است در غیر این صورت، "مبارزه مقطعی با فساد" با ایجاد فضای ارعاب، نا امنی و بی اعتمادی و تقویت موضع نهادهای خاص، به نوبه خود به پنهانکاری بیشتر و گسترش فساد منجر می‌شود. پس از هر طرفی به این ماجرا نگاه کنیم سیستمی بودن به معنای غیر قابل رفع بودن فساد است. و در نتیجه جای امید و انگیزه برای مبارزه با آن و تلاشی که منجر به استقرار عدالت می‌گردد نمانده است.

جنگ اقتصادی طبل بی صداست. در این شرایط جامعه دچار "اگوئیسیم" می‌شود؛ نوعی گلیم خود را از آب کشیدن، خود پرستی و دیگران را ندیدن، در این شرایط افراد منافع خود را به هر چیزی ترجیح می‌دهند، اکنون چنین شرایطی بر جامعه ایران حاکم است.

امروزی است. اما در حال حاضر در کشور بیش از یک میلیون دستفروش داریم وقتی فردی دست به خلاف می‌زند نمی‌توانیم بگوییم این آسیب اجتماعیت چون این مشکل ناشی از مشکلات کل نظام اجتماعی کلی است. که این مشکلات خرد به وجود می

به صورت خانوادگی در بیابید، آن سیستم حتما دچار فساد می‌شود. آن موقع همه نسبت به هم کوتاه می‌آیند. در چنین شرایطی بی اعتمادی اولین موردیست که به وجود می‌آید. آنچه وجود فساد در جمهوری اسلامی را بارزتر و تکان دهنده‌تر می‌کند این واقعیت

توزیع مناصب حکومتی بر اساس روابط به خصوص خویشاوند سالاری از همان ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی رواج یافت با این توجیه که لازم است "افراد متعهد معتمد" در مناصب حکومتی قرار گیرند.

آیند. وقتی مشروعیت بخش‌های مختلف حکومت از بین رفته باشد اولین جایی که برخورد مردم را به صورت صریحی با حکومت می‌بینیم مقابله با نیروهای مهار اجتماعی است. وقتی رشوه

است که یکی از وعده‌های انقلاب اسلامی و نظام تحت هدایت مطلقه روحانیون شیعه از میان بردن فساد اداری رایج در زمان حکومت سابق بود. کمتر کسی در بروز و گسترش بی سابقه فساد در ایران

سالاری از همان ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی رواج یافت با این توجیه که لازم است "افراد متعهد معتمد" در مناصب حکومتی قرار گیرند. اگر چه این افراد هم غالبا تاکید داشتند که بر اساس

آنچه وجود فساد در جمهوری اسلامی را بارزتر و تکان دهنده‌تر می‌کند این واقعیت است که

یکی از وعده‌های انقلاب اسلامی و نظام تحت هدایت مطلقه روحانیون شیعه از میان بردن فساد اداری رایج در زمان حکومت سابق بود.

خواری و فساد در سیستم کنترل اجتماعی وارد شود مردم هم از زیر نظارت اجتماعی فرار می‌کنند. به همان میزان که سازمان‌های کنترل اجتماعی ناپاک شوند. جامعه به آنها بی اعتنائی خواهد کرد. و محصول نهایی آن رواج فرهنگ {کی به کیه} می‌شود. تنها نقشی که مردم در مسائل اجتماعی دارند انتخابات است، که در همین زمینه هم تجربیات

طی چهار دهه‌ی اخیر تردید دارد و نه تنها نهادهای جهانی ایران را در رده کشورهای فاسد قرار می‌دهند بلکه دست کم گاه به گاه، حتی دست اندرکاران حکومتی نیز این واقعیت را اذغان می‌کنند. دلیل دیگر مشکلات اجتماعی ما ضعف اخلاقی جامعه است، که آن هم ناشی از همان فساد سیستمی است. در چنین جامعه‌ای دچار مشکلات خرد (مثل اختلافات زن

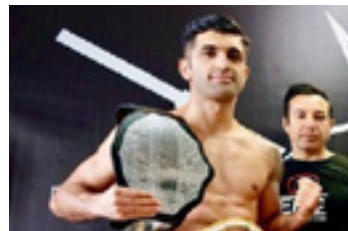
"تکلیف" تن به قبول مسئولیت داده‌اند هر چند منافع مادی مستقیم و غیرمستقیم قابل توجهی هم برای آنان در نظر گرفته می‌شد به این ترتیب ، دو پایه عمده بروز فساد سیستمی یا تشکیلاتی، یعنی قانون‌گریزی و جایگزینی مصلحت‌بینی شخصی به جای ضوابط و مقررات از همان ابتدا در تشکیلات دولتی جمهوری اسلامی شکل گرفت و به زودی

می‌بینیم مردم کره جنوبی برای مقابله با مشکلات اقتصادی طلاهای خود را تحویل دولت می‌دهند، اما درخواست سخنگوی کشور ایران برای کار مشابه از طرف مردم نادیده گرفته می‌شود اما مهمترین مشکل جامعه فساد سیستمی است. فساد سیستمی در جامعه فقط مالی نیست در تمام روابط این فساد قابل مشاهده است. فساد در ایران پس از انقلاب

آکام طرغه:

ملت کورد به نماد نیاز دارد،

دکتر "قاسملو" و پیشوا "قاضی محمد" نماد هستند
"اوراز" نیز نماد است.



محمد اوراز کوهنورد کورد نام‌آور جهان

• شما به عنوان یک ورزشکار سیاست‌های رژیم را در رابطه با ورزشکاران کورد چگونه ارزیابی می‌کنید؟

سیاست‌های رژیم در این‌باره مشخص‌تر از آنست که نیاز به تشریح و روشن‌گری داشته باشد. رژیمی اذیت‌آمیز، فاشیست و پان ایرانیسم که بر پایه مذهبی خاص و ایرانی پرستی بنا نهاده شده است. سیاست چنین رژیمی نمی‌تواند چیزی بیشتر از انکار، حذف، سرکوب و در صورت امکان مهره نمودن افراد باشد.

برای کورد، خاطره پیشمرگ بودن است. کوردها وقتی به دامنه کوه‌ها و قله‌های پناه می‌بردند، حتماً و ۱۰۰٪ این سرود را زمزمه می‌کنند و یا با صدای بلند می‌خوانند: "کوردستان من مایه حیات من است، پیشمرگ بودن، راه نجات من است"، فکر کنم با همین مقدار بتوانیم درک کنیم که زنده یاد محمد اوراز چه تأثیری بر اندیشه ملی جوانان کورد دارد و داشته است. البته ناگفته نماند که ما کوردها و جریان‌های سیاسی و نخبگان کورد، بهره‌برداری لازم را از وی هرگز ننموده‌اند. لازم است بیشتر بر این مسئله تمرکز شود.

چنانکه عرض کردم، زندگی و مرگ پرشکوه محمد هوراز، تابلویی است قابل تعظیم و تکریم. اوراز حتی پس از مرگ زیست و به نماد تبدیل شد، نمادی که قابل شکست و حذف کردن نیست. کوهنوردی در میان کوردستان و کوهستان‌های سابقه‌ای دیرین دارد اما اوراز به آن رخساره جدیدی بخشید. پس از مرگ اوراز، یکبارۀ کوهنوردی در کوردستان ایران به فرهنگی عمومی تبدیل شد. امروزه نگاه کنید ببینید در هر شهر در کوردستان ایران چند گروه کوهنوردی وجود دارد. حتماً آگاه هستید که کوهنوردی

زیاد است. به تاریخ آلمان نگاه کنید، میشل نماد است به فرانسه نگاه کنید، شکسپیر نماد است و در دیگر کشورها که نیاز به ذکر نیست. ملت کورد نیز به نماد نیاز دارد، دکتر قاسملو و پیشوا قاضی محمد نماد هستند. اوراز نیز نماد است، آن‌هم در شهری که قربانی سیاست‌های فاشیسم شده‌است، منظورم شهر نقده است. این دلیل هراس نه تنها از محمد اوراز بلکه حتی از تندیس وی می‌باشد.

• از لحاظ هویت و ناسیونالیستی محمد اوراز چه تأثیری در ذهن افراد کورد دارد؟

در طی روزهای اخیر مسئولان رژیم جمهوری اسلامی ایران با نصب تندیس قهرمان "محمد اوراز" کوهنورد کورد ملقب به "عقاب کوه‌ها بالای ۸۰۰۰ هزار متری" در شهر "نقده" واقع در "کوردستان ایران" مخالفت کردند.

شورای شهر نقده گفته بود که نصب این تندیس بدون اجازه ما بوده‌است. از سوی دیگر قرار بر این بوده‌است به جای تندیس "اوراز" تندیس آخوند حسنی نصب شود.

در این زمینه روزنامه "کوردستان" گفتگویی با "آکام طرغه" ورزشکار ورزش رزمی "کیک بوکسینگ" انجام داده‌است که توجه خوانندگان را به این گفتگو جلب می‌نمایم.

• شناخت شما به عنوان یک ورزشکار از محمد اوراز چیست؟

زنده‌یاد، "محمد اوراز" یا همچنانکه رایج است "اوراز"، کوهنورد کورد "کوردستان ایران"، نماد مقاومت و تلاش نستوه‌ناپذیر جهت رسیدن به هدف و حتی جان دادن در راه رسیدن به آن است. توانایی او به حدی بود که به قله‌های بالای ۸۰۰۰ متر بدون کپسول اکسیژن صعود می‌کرده‌است. صعود وی به اورست، نمونه‌ای از موفقیت‌های اوست. در عین حال اوراز نمادی است از ظلم به ورزش. تاکنون حتی مجسمه وی نیز، جایگاه لازم را دریافت نکرده و مورد ظلم قرار گرفته است. این مسئله تنها به دلیل نماد بودن وی در میان ملتی است که نیاز به تلاش جدی در راستای رسیدن به هدف دارد. حتی تولد اوراز نیز عادی نیست، وی در شامگاه ۲۵ شهریور سال ۱۳۴۸ در شهرستان نقده در کوردستان ایران به دنیا آمد، در آن دوران پدرش حاج احمد اوراز، دوران حبس را در زندان فلک الافلاک سپری می‌نمود.

• چرا رژیم اسلامی ایران در رابطه با ورزشکاران به ویژه ورزشکاران کورد مواضعی سختگیرانه دارد؟

مسئله کورد و کوردستان مسئله‌ای ملی است که تمامی اجزای آن به هم وابسته و پیوسته است. نمی‌شود بخشی از مسئله کوردستان و یا حتی یک شخص کورد را از دیگر بخش‌های آن جدا کرد. ورزشکاران کورد نیز کورد هستند با تمامی ویژگی‌های یک کورد که سرزمین آن اشغال شده است. پویایی شخص مستعمره شده به زیان اشغالگر است. شخص مستعمره شده نباید رشد کند، خواسته‌ها و موفقیت‌هایش باید محدود بماند، به بلوغ نباید برسد چرا که هر بلوغی می‌تواند زمینه ساز رفع استعمار و اشغالگری باشد. شخص کورد از دیدگاه اشغالگر باید در پایین‌ترین سطح انسان بودن باقی بماند. اشغالگران

• بعد از جاودانه شدن اوراز چرا هم اکنون نیز رژیم از نصب تندیس وی در سطح شهر نقده جلوگیری می‌کند؟

نمادها ارزش بی‌نهایت زیادی دارند. بیشتر ملت‌های موفق امروز جهان، برای اتحاد، نمادسازی کرده‌اند. برخی از نمادها حتی وجود نداشته و خلق شده‌اند، برخی از نمادها ریشه تاریخی ندارند اما امروز به تاریخ ملتی و دولتی تبدیل شده‌اند. نمونه‌ها از این دست

خصوصی سازی یا شتر گاو پلنگی دیگر



آن به شرکتهای خصوصی واگذار شود در جهت عکس همچنان در دست دولت است ،برجای خود باقی است، دولت تدبیر و امید در طرح شتر،گاو،پلنگ خود از آزادسازی سهام عدالت سخن به میان می‌آورد،غافل از اینکه دیگر ملیتهای آگاه ایران فریب سیاستهای رژیم را نخواهند خورد و بر آنها اظهر من شمس است که بار دیگر قبیله زالوصفت و این بار در خیال پردازی‌های خود و به دنبال رویای لغو تحریم‌های تسلیحاتی، بار دیگر عزم مکیدن خنشان را دارند و می‌خواهند منابع مالی لازم را جهت خرید تسلیحات نظامی این بار هم از جیب مردم تأمین کنند، زهی خیال باطل. واقعیتی که همسو با اقدامات و تلاش‌های مخرب نامتعارف‌ترین رژیم موجود، در جبهه مقابل آن‌هم شاهد صفت‌بندی و افزایش تلاش‌های دیپلوماتیک اعضای دائمی اروپایی شورای امنیت سازمان ملل متحد و آمریکا هستیم تا در چهارچوب توافقنامه برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت ،با تمدید تحریم‌های تسلیحاتی ولی فقیه و ذوب‌شدگان در ولایتش را به کابوسی جانگداز برایشان تبدیل کند.

جهت رفع نیازهای اساسی جامعه محروم ساخته است. با علم به چنین اهداف و ظرفیتهایی است که میتوان از شعارهایی چون خصوصی سازی، حاکمیت قانون، رفم، رشد و توسعه‌ی اقتصادی، عدالت‌خواهی و اجرای آن و چندین مفهوم و راهکار استراتژیک جامعه محور ... و اینک طرح آزاد سازی سهام عدالت در بورس را از طرف مستبذترین و غیردمکراتیک ترین حاکمیت عصر حاضر که همانا جمهوری اسلامی است، شعاری تو خالی و شوخی تلخی قلمداد کرد که هیچ فرد صاحب منطقی را نمی‌خنداند. به دنبال شعارهای پوپولیستی احمدی‌نژاد در خصوص ترویج عدالت از طریق در اختیار گذاشتن سهام عدالت به دهک‌های نخست جامعه، اگر چه امروزه بر کسی پوشیده نیست که همچنان که شب و روز، روشنایی و تاریکی، اسارت و آزادی کاملاً در تناقض با یکدیگرند به همان میزان نیز عدالت و جمهوری اسلامی با همدیگر قابل جمع نیستند و هنوز هم میزان سود، ارزش سهام و مالکیت شرکت‌ها در هاله‌ای از ابهام است و تن‌ها مدیریت شرکت‌ها که می‌بایست در چ‌هارچوب ابلاغیه بندجیم اصل ۴۴قانون اساسی ۸۰٪

۴۱ سال حاکمیت ناکارآمد جمهوری اسلامی لبریز از اتخاذ سیاست‌های غیرعلمی و نادرست و عمدتاً عوام‌فریبانه برگرفته از قانون اساسی است که بن مایه و ستون فقرات آن را میبانی و اهداف ایدئوزیک شکل داده است. یکی از حوزه‌هایی که بیشتر از سایر موارد مغفل واقع شده است و از آن نه به چشم علم بلکه به مثابه ابزاری برای تأمین و دستیابی به ایده‌های خرافاتی نگریده می‌شود، حوزه اقتصاد است. در نگرش اقتصاد را "مال خر پنداشتن" و آنرا ابزاری جهت حصول اهداف و آرمان‌های ایدئوزیک نگرستن، به شیوه‌ای منطقی و طبیعی نتیجه‌ای غیر از آنچه امروز شاهد آن هستیم انتاج نمی‌شود، در واقع چنین نگرشی است که بر خلاف سایر قوانین اساسی مدرن حاکمیت‌های دمکراتیک در سراسر جهان، قانون اساسی رژیم را از دو ویژگی ضروری و بارز آن که ایجاز و صلابت می‌باشد تهی کرده است، ویژگی‌هایی که نبود آن با توجه به خصوصیات علم اقتصاد که به عنوان دانشی متغیر همگام با تغییرات اجتماعی می‌باید قابلیت تطبیق خود را جلوه دهد، وزنه سنگینی به پای اقتصاد انداخته و آنرا از طی طریق واقعی خود در

جنگ و دیگر هیچ^(۱)



شرایطی قرار دارد که علی‌رغم سانسور شدید حکومتی رسانه‌های حکومتی و ارگان‌های دولتی از عدم امنیت بحث می‌کنند.

جامعه:

جامعه ایران در شرایطی هراسناک قرار گرفته است، از یک طرف سایه تهدید اپیدمی کرونا را احساس می‌کند و از طرفی دیگر عدم امید به آینده و در سرگردانی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی افتاده است، هیچ فرد و قشری از وضعیت موجود راضی نیست و هیچ ضمانتی نیز برای تغییر مثبت در زندگی افراد وجود ندارد. مردم با پدیده‌های مانند فساد ساختاری در نهاد حاکمیت، بحران محیط زیستی، بحران‌های اقتصادی، عدم اطلاع در وضعیت عمومی جامعه، جنگ روانی ارگان‌های سرکوب‌گر علیه جامعه ایران و سرکوب روزانه نیروهای سرکوبگر روبرو هستند؛ جامعه در وضعیتی قرار دارد که نه تنها نمی‌تواند شرایط کنونی خود را توصیف کند، بلکه هیچ چشم‌انداز روشنی هم از آینده خود ندارد. حال این سه وضعیت را در کنار هم قرار دهید، کلیت اقتصاد یا به دلیل سیاست صدور انقلاب ، مارجاوبی موشکی و اتمی تحت تحریم است و یا در خدمت توسعه برنامه موشکی، اتمی و سیاست صدور انقلاب قرار دارد، مردم در عمل از هیچ نوع امنیتی برخوردار نیستند و چشم‌انداز روشنی هم از آینده ندارد، در واقع این وضعیت یک وضعیت کاملاً جنگی است که طی آن جامعه و اقتصاد ایران کاملاً فرسوده شده، هرچند نظام تبلیغاتی جمهوری اسلامی در تلاش است که کنترل وضعیت از طریق تهدید به جنگ را میسر کند، اما ایران در یک وضعیت کاملاً جنگی قرار دارد و خروج از شرایط کنونی تنها در صورت عدم وجود جمهوری اسلامی امکان پذیر است.

ابر کمپانی ستاد اجرایی فرمان امام، آستان قدس رضوی، بنیاد مستضعفان و قرارگاه خاتم قرار دارد، این کمپانی‌ها هیچ مالیاتی به دولت پرداخت نکرده، بلکه بجای آن خمس را به "امام" پراخت می‌کنند. حال خامنه‌ای، امام محسوب می‌شود که هم صاحب کمپانی است و هم خمس کمپانی را دریافت می‌کند و معمولاً خمس دریافتی را صرف هزینه ترویج و احداث مراکزی برای صدور انقلاب می‌کند. در بحبوحه بحران کرونا و ده‌ها بحران ریز و درشت اقتصادی سپاه ماهواره جاسوسی هوا می‌کند و جشن فضایی شده به‌مره می‌اندازد. همه این موضوعات با مسئله بیکاری، تورم، بحران در نظام بانکی، بحران ارزی، رکود و .. همراه است.

امنیت:

وضعیت امنیت در شرایطی بسیار پیچیده قرار دارد، سرکوب و کشتار به بخشی از زندگی روزانه ایران تبدیل شده است، سپاه در تمامی ۴۰ سال گذشته با مردم مناطق کوردستان، بلوچستان و اقلیم اهواز در جنگ بوده و در ۲۰ سال گذشته چهار دوره سرکوب مردم در اقصی نقاط ایران توسط سپاه انجام شده است .

تقریباً تمامی تحلیل‌گران رژیم بر این مسئله تأکید دارند که امنیت ایران از راه صدور انقلاب تأمین می‌شود و امیر حاجی زاده در کنفرانس مطبوعاتی اعلام حمله موشکی به پایگاه آمریکا در عین‌الاسد پرچم گروه‌های تروریستی حشدالشعبی، فاطمیون، زینبیون، حزب الله و حوثی‌ها را پشت سرش قرار داد.^(۲)

محسن رضایی، دبیر کل مجمع تشخیص مصلحت نظام در مصاحبه با برنامه پیرامون از مسئله انتقام قاسم سلیمانی بحث می‌کند.^(۳) امنیت اجتماعی، اقتصادی و روانی جامعه ایران نیز در

آتری اسماعیل‌نژاد

اخبار از این قبیل، به بخشی از زندگی روزانه مردم ایران تبدیل شده است، آزمایش موشکی سپاه، افزایش تنش بین غرب و ایران، صدور بیانیه علیه رفتار منطقه‌ای ایران، افزایش تنش بین ایران و آمریکا، ایجاد اصطکاک بین نیروهای ایرانی و آمریکایی در خلیج فارس، خروج گام به گام از برجام، حمله اسرائیل به مراکز نظامی جمهوری اسلامی در سوریه، تحریم چند شخص حقیقی و حقوقی توسط وزارت خزانه‌داری آمریکا ، سقوط پهپاد در ... و ... اخبارهای چنان تکرار هستند، که حال دیگر کمتر رسانه‌ای به تحلیل آن‌ها می‌پردازد.

افزایش تنش در سطح بین‌المللی، سقوط اقتصاد، افزایش تحریم، صدور انقلاب، سرکوب داخلی، تهدید به عدم امنیت، اعلام روزانه تهدید علیه تمامیت ارضی ایران و ده‌ها خبر از این دست از فرم خبر و تحلیل خارج شده و به نظامی تبلیغاتی تبدیل شده‌اند.

بر این اساس در شرایط کنونی ایران در چه وضعیتی قرار دارد؟ برای جواب این پرسش سه آیتم اقتصاد، امنیت و جامعه را به صورت گذار بررسی می‌کنیم:

اقتصاد:

وضعیت اقتصادی ایران هرچند با آمار و ارقام سانسور شده همراه است، اما واقعیت این است که اقتصاد فارغ از اینکه آیا رشد منفی داشته یا خیلی منفی در شرایط در وضعیت رکود_تورم قرار دارد، ریزش قیمت نفت سیاه تهدید کاهش درآمد پتروشیمی را افزایش داده و بوده سال ۹۹ با حکم حکومتی تصویب شد^(۴) و طبق گفته‌های دکتر نمکی، وزیر بهداشت^(۵) به دلیل وحشت از ورشکستگی اقتصادی اعلام وضعیت عادی در مورد اپیدمی کرونا شده است.

حجم تحریم به حلقه کمپانی‌های پوششی رسیده است و همزمان اقتصاد داخلی در دست چهار

منابع

- نام این نوشته از نام یکی از کتاب‌های مشهور بانو اورینا فالانچی روزنامه‌نگار ایتالیایی عاریت گرفته شده است
- https://bit.ly/25nmM75
- https://bit.ly/2YqjSSU
- https://bbc.in/35sXzNY
- https://bit.ly/3d5gUHx

جسد دو شهروند اهل اشنویه پس از چند روز جستوجو پیدا شد



ارتش ترکیه این ارتفاعات را به‌طور مداوم بمباران می‌کند. پس از شکست گفت‌وگوهای میان دولت ترکیه و حزب کارگران کردستان، درگیری‌های شدیدی میان نیروهای ارتش ترکیه و پ.ک.ک در خاکورک روی داده است.

روز جمعه دوازدهم اردیبهشت‌ماه، جسد دو شهروند اهل اشنویه به نام‌های "فاخر تازه وارد" و "رشید پیروتی" که بر اثر بمباران جنگنده‌های ترکیه در ارتفاعات "خاکورک" در مرزهای اقلیم کردستان جان باخته بودند، پس از چند روز جستوجو پیدا شد. روز سه‌شنبه نهم اردیبهشت‌ماه، این دو شهروند در حین جمع‌آوری گیاهان بهاری در ارتفاعات "خاکورک" در مرزهای اقلیم کردستان مورد بمباران جنگنده‌های ترکیه قرار گرفته بودند.

ارتفاعات "خاکورک" محل حضور نیروهای حزب کارگران کردستان (PKK) می‌باشد و جنگنده‌های

"سازمان عفو بین الملل" با انتشار بیانیه‌ای اعدام "شایان سعیدپور" را محکوم کرد



دادستان سقز اجرا شده است. "دایانا التهاوی"، معاون بخش خاورمیانه و شمال آفریقا در سازمان عفو بین‌الملل اعدام شایان سعیدپور را اقدامی کینه‌توزانه و بی‌رحمانه اعلام نمود. حکم اعدام "شایان سعید پور" طبق قوانین بین‌المللی ممنوع بوده و اجرای اعدام او نقض قوانین

سازمان عفو بین‌الملل با انتشار بیانیه‌ای در خصوص اعدام "شایان سعید پور" اعلام کرد: "اعدام امروز شایان سعیدپور به خاطر جرمی که در زمان کودکی مرتکب شده بود گواهی دیگر بر بی‌اعتنایی کامل مقامات ایرانی به حق حیات است." "شایان سعید پور" در جریان فرار زندانیان محبوس در زندان رژیم ایران در شهرستان "سقز" به همراه جمعی از دیگر زندانیان موفق به فرار از زندان شده بود، اما دوباره توسط نیروهای امنیتی رژیم بازداشت و به زندان مرکزی شهرستان سقز منتقل شده بود.

نامبرده روز سه‌شنبه ۲ اردیبهشت ۱۳۹۹، در زندان رژیم اسلامی ایران در شهرستان سقز اعدام شد.

براساس اطلاعات رسیده به آژانس کوردپا، علیرغم عفو و بخشش "شایان سعیدپور" از سوی خانواده مقتول، حکم اعدام وی به دستور

دو جوان کورد اهل اشنویه از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شدند



رش" یورش برده و پس از تفتیش منزل، برخی از وسایل شخصی وی از جمله کامپیوتر او را ضبط و با خود برده‌اند. تا لحظه انتشار این خبر، از دلیل بازداشت و محل نگهداری این دو جوان کورد اطلاعی در دسترس نمی‌باشد.

طی روزهای اخیر، یک جوان کورد به نام "آلان بنگین" ۲۱ ساله اهل روستای "کانی رش" از توابع اشنویه در حین سربازی توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شده است.

به دنبال بازداشت این جوان، یک جوان دیگر اهل روستای "کانی رش" به نام "یحیی ابراهیمی" ۲۰ ساله از سوی نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی انتقال یافته است. نیروهای امنیتی به منزل خانوادگی یحیی ابراهیمی در روستای "کانی

یک کولبر در پی شلیک مستقیم نظامیان حکومتی در مرز بانه جان باخت



در کمین نیروهای نظامی حکومت ایران افتاده‌اند و در پی شلیک این نیروها، یک کولبر به نام "محمد

بامداد امروز یکشنبه چهاردهم اردیبهشت‌ماه، یک کولبر کورد به نام "محمود مرادی" فرزند حاج جلال بر اثر شلیک مستقیم نظامیان حکومتی در مرز "هنگه‌ژال" بانه جان خود را از دست داد.

نظامیان حکومتی بدون اخطار قبلی این کولبر را هدف قرار داده‌اند و جسد وی به بیمارستان بانه منتقل شده است.

تا کنون جسد این کولبر به خانواده‌اش تحویل داده نشده است. محمود مرادی ۱۸ روز پیش زندگی مشترک تشکیل داده بود. در همین ارتباط نیز، شامگاه روز شنبه سیزدهم اردیبهشت‌ماه، گروهی از کولبران در ارتفاعات مرزی "توکان و کانی زرد" سرداشت

اطلس زندان‌های ایران: در سه ماهه نخست سال ۲۰۲۰ میلادی، ۵۲۶ سال حکم زندان و ۱۰ اعدام صادر شده است



نظر گرفته شده است. با استناد به این گزارش آماری، جمهوری اسلامی در این سه ماه سه تن از معترضین ناآرامی‌های آبان ۹۸ را که در دهه ۲۰ زندگی خود هستند در مرحله بدوی به اعدام محکوم کرده است. ابوالقاسم صلواتی، قاضی بدنام حکومت ایران، این اعدام‌ها را صادر کرده است. بر پایه داده‌های اطلس، دست کم ۲۶ درصد پرونده‌های سیاسی دادگاه انقلاب تهران، به او سپرده شده است. جمهوری اسلامی همچنین حکم اعدام هفت تن از متهمین به عضویت در یک گروه تندروی سلفی را تایید کرده است. از میان ۲۲۰ نفری که پرونده‌هایشان در این گزارش اطلس زندان‌های ایران بررسی شده، ۱۷۷ نفر (۸۰٪) مرد و ۴۳ تن (۲۰٪) زن هستند. پژوهشگران اطلس می‌گویند که نسبت احکام صادره به اتهام "عضویت در احزاب غیرقانونی" در مقایسه با گذشته افزایش یافته است. در این گزارش احکام با فرض اعمال ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی ثبت شده‌اند.

اطلس زندان‌های ایران در یک گزارش آماری به بررسی پرونده‌های سیاسی ایران پرداخته و طی سه ماه نخست سال ۲۰۲۰ میلادی، قوه قضاییه حکومت ایران ۵۲۶ سال حکم زندان و ۱۰ اعدام صادر کرده است.

در ابتدای گزارش آمده است: سرکوب سیستماتیک کوردها در ایران، فارغ از وضعیت نیروهای داخلی و خارجی به عنوان یک امر ثابت در دستگاه سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی درآمده است و فارغ از این‌که چه میزان از نیروی سرکوب حکومت در شهرهای مرکزی صرف می‌شود، هدف قرار دادن فعالین کورد در اولویت‌های دستگاه سرکوب قرار دارد.

در این گزارش آمده است: قوه قضائیه جمهوری اسلامی، در سه ماه اول سال ۲۰۲۰، مخالفین و منتقدین حکومت را در ۱۴۷ پرونده در مجموع به ۵۲۶ سال و سه ماه حبس قابل اجرا محکوم کرده است؛ یعنی به طور میانگین حدود سه سال و هفت ماه برای هر شهروند مخالف یا منتقد حکومت حبس در

بازداشت دو شهروند کورد به دلایل نامعلومی در سنج



بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شدند. این دو شهروند بدون ارائه مجوز قانونی بازداشت و از سرنوشت آنان اطلاعی در دسترس نیست.

روزی‌یکشنبه چهاردهم اردیبهشت‌ماه، دو شهروند کورد اهل سنج به نام‌های "طارق رحیم‌پور" فرزند موسی و "بنیامین رحیم‌پور" فرزند موسی از سوی نیروهای امنیتی